

فرا تحلیلی بر آسیب شناسی های برنامه های توسعه در ایران



رضا مکنون *

جلیل سلیمی **

محسن بهرامی ***

تاریخ دریافت: ۹۳/۵/۲۵ تاریخ پذیرش: ۹۳/۷/۳۰

چکیده

با وجود اینکه حدود ۶۵ سال از شروع برنامه ریزی و حرکت در مسیر توسعه در ایران می گذرد، اما همچنان در زمره کشورهای در حال توسعه قرار داشته و حجم عظیم منابع انسانی، مالی و طبیعی مصرف شده، با دستاوردهای به دست آمده تناسبی ندارد؛ از این رو، ضرورت دارد رویکرد حاکم بر نظام برنامه ریزی کشور مورد کنکاش و بررسی تحلیلی و انتقادی قرار گیرد و آسیب های آن شناسایی شود. البته تاکنون مطالعات مختلفی در این زمینه انجام شده است ولی با وجود ضرورتی که در نظم دهی به ابعاد مختلف آسیب های برنامه های توسعه و بررسی آنها در قالب یک مدل جامع وجود داشته است، بررسی پارادایم های حاکم، اغلب به طور پراکنده و محدود به یک یا چند بعد خاص بوده است. در این مقاله، ابتدا تجربه نزدیک به ۶ دهه برنامه ریزی در ایران از حیث پوشش موضوعی، افق زمانی، نحوه برخورد با فضا (آمایش سرزمین)، پوشش جغرافیایی، روش تهیه و روش اجرای دیده مان غالب برنامه ها و تجربه برنامه ریزی بررسی می شود. سپس آسیب شناسی جامعی از مشکلات برنامه ریزی در کشور انجام شده و با نظم دهی به ابعاد مختلف آسیب ها، آسیب ها در قالب مدلی سه سطحی، در سه سطح پیش از برنامه ریزی، برنامه ریزی و پس از برنامه ریزی بیان می شود. این مقاله با به کارگیری روش فراتحلیل، سعی کرده است با جمع آوری و ترکیب اطلاعات از پژوهش های پیشین و با نظم دهی به ابعاد مختلف آسیب ها، مخاطبان را در درک و رفع آنها یاری کند. نتیجه کار، مدل جامعی است که به صورتی منظم، مشکلات مختلف در برنامه ریزی توسعه در کشور را نشان می دهد و می تواند کمک شایانی به دست اندرکاران در راستای رفع این مشکلات ارائه دهد. در نهایت راهکارهایی برای رویارویی با آسیب های مختلف نیز پیشنهاد می شود.

واژه های کلیدی: فراتحلیل، آسیب شناسی، برنامه توسعه، برنامه ریزی، آینده پژوهی

طبقه بندی JEL: O20

maknoon@aut.ac.ir

J_salimi@aut.ac.ir

mbahrami@aut.ac.ir

* استاد دانشکده مدیریت، علم و فناوری دانشگاه صنعتی امیر کبیر

** کارشناس ارشد مهندسی آینده پژوهی دانشگاه صنعتی امیر کبیر

*** استاد دانشکده مدیریت، علم و فناوری دانشگاه صنعتی امیر کبیر



مقدمه

اندکی بیش از نیم قرن می‌گذرد که «توسعه» به‌مثابه یک هدف استراتژیک در دستورکار اغلب دولت‌ها قرار گرفته است. اما به‌دلیل تفاوت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع، همه آنها به یک حد از مواهب توسعه برخوردار نبوده‌اند، به‌گونه‌ای که از این منظر، کشورها را به سه گروه توسعه‌یافته، درحال توسعه و کمتر توسعه‌یافته تقسیم‌بندی می‌کنند.

ایران که هم‌زمان با اغلب کشورهای جهان، با تدوین و اجرای برنامه‌های میان‌مدت عمرانی، در مسیر «توسعه» گام برداشته است، هنوز در زمره کشورهای درحال توسعه قرار دارد و این درحالی است که برخی از جوامع، همچون کشورهای آسیای جنوب شرقی که قدمت برنامه‌ریزی توسعه در آنها به مراتب کمتر از ایران بوده است، از منظر شاخص‌های توسعه در مراتب بهتری قرار گرفته‌اند (هادی‌نوز، ۱۳۸۹).

گذشته از تفکر برنامه‌ریزی که آثار آن از سال ۱۳۱۶ به بعد در اسناد دولتی قابل مشاهده است، نخستین برنامه کشور در سال ۱۳۲۷ تقدیم مجلس شورای ملی و در همان سال تصویب شد (توفیق، ۱۳۸۵). وجود چنین سند قانونی در سی‌ساله نخست قانون‌گذاری در ایران دلالت بر پذیرش اثرگذاری برنامه‌ریزی در نظام مدیریت کلان دارد. از آن روز در حدود ۶۵ سال می‌گذرد و در طول این سال‌ها ۱۰ برنامه عمرانی و توسعه‌ای تهیه شده است. در طول این مدت سه نوع برنامه‌ریزی، یعنی برنامه عمرانی (متکی بر طرح و پروژه)، برنامه جامع ملی (شکل‌سستی و متعارف برنامه) و برنامه ساختاری (شناخت چالش‌های اساسی فرایند توسعه و سعی در فراهم ساختن الزامات تحقق توسعه پایدار) تهیه شده است (نوبخت و

غلامی نتاج، ۱۳۹۰: ۲۳۱-۲۱۳).

ارزیابی شش دهه برنامه‌ریزی توسعه در ایران بیشتر از همه حاوی این پیام است که اولاً حجم عظیم منابع انسانی، مالی و طبیعی مصرف‌شده، با دستاوردهای آن تناسبی نداشته است و با وجود پیشرفت‌های مهمی که در برخورداری از مواهب توسعه نسبت به گذشته پدید آمده، شکاف و فاصله تاریخی ایران با کشورهای پیشرفته و حتی اهداف و آرمان‌های ملی چندان کاهش نیافته است. اجرای نه برنامه توسعه در سال‌های پیش و پس از انقلاب اسلامی، زمینه انجام ارزیابی‌های واقع‌بینانه و علمی از نظام برنامه‌ریزی توسعه در ایران را فراهم کرده است؛ از این رو، ضرورت دارد رویکرد حاکم بر نظام برنامه‌ریزی ایران مورد کنکاش و بررسی قرار گیرد و آسیب‌های آن شناسایی شود (خاندوزی، ۱۳۸۹: ۹۹-۱۲۹). تاکنون آسیب‌شناسی‌های مختلفی درباره برنامه‌های توسعه صورت پذیرفته است، اما این پژوهش در نظر دارد با بررسی و تحلیل آسیب‌های شناسایی‌شده، به جمع‌بندی، ترکیب و نظم‌دهی به آنها پردازد.

۱. روش تحقیق

همان‌گونه که اشاره شد با توجه به تاریخ بلند برنامه‌ریزی در کشور، پژوهش‌های فراوان و مختلفی در مورد بررسی و آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه انجام شده است؛ ولی متأسفانه با وجود ضرورتی که در نظم‌دهی به ابعاد مختلف آسیب‌های برنامه‌های توسعه و بررسی آنها در قالب یک مدل جامع وجود داشته است، بررسی پارادایم‌های حاکم، اغلب به‌طور پراکنده و محدود به یک یا چند بعد خاص بوده است؛ بنابراین نیاز به مطالعه‌ای می‌باشد که با مرور تحقیقات پیشین و انجام تحلیلی جامع، به نظم‌دهی ابعاد مختلف آسیب‌ها پردازد و مخاطبان را در درک و رفع آنها یاری کند. روش متناسب برای چنین تحقیقی روش فراتحلیل^۱ (MAM) است.

فراتحلیل با مرور نظام‌مند منابع برای پیدا کردن، ارزشیابی، ترکیب و در صورت نیاز، جمع‌بندی آماری، به تحقیقاتی می‌پردازد که پیش‌تر در مورد یک موضوع خاص به رشته تحریر درآمده‌اند. مهم‌ترین مزیت مطالعات فراتحلیل این است که

با ادغام کردن نتایج مطالعات مختلف، قدرت مطالعه را در راستای یافتن نتایج معنی دار افزایش می دهند. همین ویژگی سبب شده است که در سال‌های اخیر، تعداد مقالات مربوط به فراتحلیل‌ها افزایش چشمگیری داشته باشد (رضائیان، ۱۳۸۴)؛ بنابراین روش فراتحلیل در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. البته لازم به ذکر است که فراتحلیل در بسیاری از مواقع با انجام تحلیل‌های آماری سعی در ترکیب پژوهش‌های پیشین دارد، ولی با توجه به ماهیت کاملاً کیفی پژوهش‌های پیشین انجام شده در حوزه برنامه‌های توسعه‌ای، این پژوهش به صورت کیفی و تحلیلی از مفهوم و گام‌های روش فراتحلیل استفاده می کند.

۱-۱. روش فراتحلیل

فراتحلیل، روشی پژوهشی برای پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی درباره نتایج مطالعات انجام شده پیشین است؛ پرسش‌هایی که یک مطالعه به تنهایی نمی تواند به آنها پاسخ دهد. فراتحلیل، به ترکیب اطلاعات مطالعات پیشین می پردازد، به مقایسه بین مطالعات نیز توجه می کند و به کشف نتایج جدید از میان مطالعات پیشین می پردازد. این روش در سال ۱۹۷۶ توسط گلاس به کار گرفته شد (ایزانلو و حبیبی، ۱۳۸۹: ۷۹-۷۰). تعاریف مختلفی از فراتحلیل ارائه شده است که در ادامه به برخی از آنها می پردازیم.

• تحلیل عبارت از شکستن عمل کل به قسمت‌های مختلف به منظور تعیین ماهیت آن است. این عمل در تحلیل آماری از طریق قرار دادن اجزا در درون ترکیب‌ها به منظور نشان دادن عوامل مورد مطالعه انجام می شود. «فرا» به معنی بالاتر و ماورا، تغییر یافته و تبدیل شده به کار می رود که در روش فراتحلیل، هر دو فعالیت انجام می شود (دلاور، ۱۳۸۴).

• فراتحلیل روشی است که براساس آن سعی می شود تفاوت‌های موجود در تحقیقات انجام شده پیشین استنتاج شده و در رسیدن به یک سری نتایج کلی و کاربردی از آن بهره گرفته شود (خلعتبری، ۱۳۸۷).

• فراتحلیل بیش از یک فن آماری، یک روش شناسی برای بررسی نظام‌دار مجموعه‌ای از پژوهش‌ها، صورت‌بندی دقیق فرضیه‌ها، انجام یک جستجوی جامع و



تهیه ملاک ورود یا حذف مقاله ها، ثبت و نگهداری ترکیب آماری داده ها و اندازه های اثر به دست آمده از بررسی های متعدد، جستجوی تعدیل کننده ها و متغیرهای میانجی برای تبیین اثرات مورد نظر و گزارش نتایج است (شیخی، ۱۳۹۰). ویژگی های فراتحلیل را می توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. فراتحلیل در واقع نوعی ترکیب است نه تحلیل؛ زیرا بر ترکیب و ادغام اجزایی چون داده ها، اطلاعات، مفاهیم و نظریه ها در راستای تکوین یک چیز (کل) جدید تأکید دارد.

۲. استفاده از مطالعات چندگانه و مستقل به فراتحلیل گر این امکان را می دهد تا به بررسی همگرایی نتایج مطالعات مورد بررسی پردازد. چنین همگرایی در مقایسه با یک مطالعه مقطعی، تعمیم پذیری بیشتری داشته و اعتبار نتیجه گیری های مربوط به اثربخشی برنامه را افزایش می دهد.

۳. در فراتحلیل درباره کیفیت پژوهش ها قضاوت نمی شود. در واقع واحد تحلیل آن، مطالعات انفرادی پژوهشگرانی است که در ارتباط با یک موضوع انجام شده است. این رویکرد فرایندی چندمرحله ای و چندسطحی است که در آن ابتدا اطلاعات از منابع پژوهشی اولیه استخراج، سپس با یکدیگر ترکیب و ادغام می شود و سرانجام یک کل جدید به دست می آید.

۴. فراتحلیل مقید به یک روش خاص آماری نیست و در واقع ماهیتی کمی و چندروشی دارد. علاوه بر آن شامل روش یا روش هایی نیست که بتوان با آن چیزی را اثبات کرد. درحقیقت فراتحلیل هدف نیست، بلکه تدبیری است برای نیل به اهداف ویژه پژوهشگر (آزادی احمدآبادی، ۱۳۹۲: ۸۸-۸۲).

فراتحلیل سه گام اصلی دارد.

۱. شناسایی منابع؛

۲. ترکیب نتایج پژوهش های انتخاب شده و مقایسه آنها با یکدیگر؛

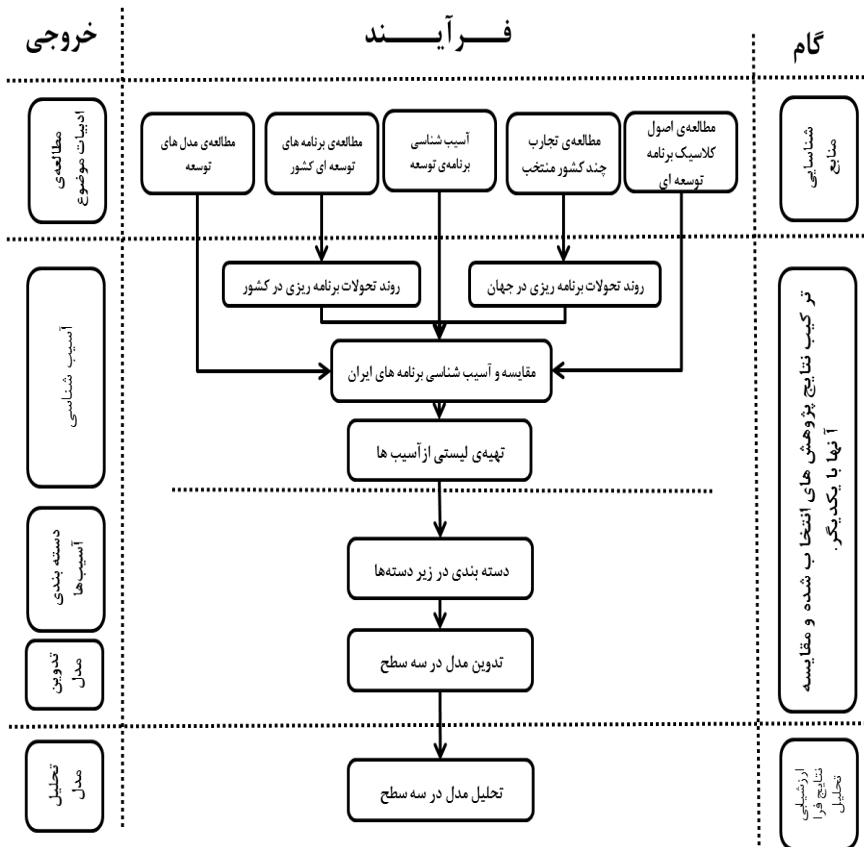
۳. ارزشیابی نتایج فراتحلیل (آزادی احمدآبادی، ۱۳۹۲: ۸۸-۸۲).

در گام نخست از این پژوهش و در مرحله شناسایی منابع، با انجام مطالعات کتابخانه ای، منابع مختلف اعم از مطالعه تاریخچه برنامه ریزی در ایران و جهان، آسیب شناسی های مختلف، اصول کلاسیک برنامه ریزی توسعه ای و مدل های مختلف

توسعه جمع‌آوری و مطالعه می‌شود.

در گام بعدی با ترکیب همه منابع موجود، آسیب‌های وارد شده بر نظام برنامه‌ریزی شناسایی خواهد شد. فهرست آسیب‌های شناسایی شده، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته و دسته‌بندی می‌شود. در ادامه مدلی سه‌سطحی از آسیب‌های برنامه‌ریزی توسعه در ایران به دست می‌آید. در نهایت با بررسی و تحلیل این آسیب‌ها راهکارهایی برای رویارویی با آسیب‌های شناسایی شده ارائه می‌شود. شکل شماره (۱) گام‌ها و فرایند طی شده در هر گام و خروجی حاصل از هر گام را نشان می‌دهد.

شکل شماره (۱). فلوجارت مدل آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه‌ای ایران



در ادامه به بررسی تفصیلی‌تر گام‌های انجام شده در این پژوهش می‌پردازیم.



۲. گام نخست: شناسایی منابع

در این گام، سعی شده است تمامی پژوهش‌هایی که در مورد موضوع پژوهش وجود دارد، شناسایی و مطالعه شوند. منابع را می‌توان به دو دسته منابع اولیه و منابع اصلی تقسیم‌بندی کرد. منابع اولیه باعث آشنایی با موضوع مورد نظر می‌شوند. در این پژوهش منابع مرتبط با تاریخچه و روش برنامه‌ریزی توسعه‌ای در ایران و چند کشور منتخب جهان، منابع اولیه پژوهش بوده‌اند. منابع اصلی در واقع اصل پژوهش‌ها در حوزه مورد نظر است که در این مقاله منابعی که پیش از این به آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه‌ای پرداخته‌اند در این دسته جای دارند. در ادامه به بررسی مطالعات انجام‌شده در این گام می‌پردازیم.

۲-۱. مطالعه ادبیات موضوع

در ابتدای این پژوهش مطالعه گسترده‌ای بر روی اصول و مفاهیم برنامه‌ریزی و برنامه‌ریزی توسعه انجام شد. سپس به بررسی تجربه حدود شصت‌ساله برنامه‌ریزی در کشور پرداخته شد. تجربه هشت کشور (شامل کشورهای فرانسه، بلژیک، هلند (به‌عنوان کشورهای پیشرفته بازاری)، کره جنوبی، ترکیه، هند (به‌عنوان کشورهای در حال توسعه)، چین و شوروی سابق (به‌عنوان کشورهای با نظام اقتصادی متمرکز) در فرایند برنامه‌ریزی مورد مطالعه قرار گرفت. ادبیات موضوع در زمینه آسیب‌شناسی‌های برنامه‌ریزی توسعه ایران و موانع اجرایی شدن برنامه‌ها مورد مطالعه قرار گرفت. جدول زیر بخشی از منابع مورد بررسی را به‌همراه موضوع محوری معرفی می‌کند.

جدول شماره (۱). مروری بر ادبیات موضوع

عنوان پژوهش	نحوه انتشار	محتوی	موضوع محوری	شماره مرجع
برنامه‌ریزی توسعه	گزارش	حاوی نکات آموزشی درباره برنامه‌ریزی توسعه شامل مفهوم برنامه‌ریزی، انواع آن، اصول برنامه‌ریزی و برنامه‌ریزی در ایران می‌باشد.	اصول برنامه	(عظیمی، ۱۳۸۲)
برنامه‌ریزی در ایران و چشم‌انداز آینده آن	کتاب	این کتاب به شرح تاریخچه برنامه‌ریزی در کشور، تحولات صورت گرفته در برنامه‌ریزی توسعه، روش‌های برنامه‌ریزی توسعه‌ای، و چشم‌انداز آینده برنامه‌ریزی در ایران پرداخته است.	تاریخچه	(توفیق، ۱۳۸۵)
مبانی و مفاهیم برنامه‌ریزی توسعه؛ مطالعه برنامه‌ریزی در ایران و چند کشور منتخب	کتاب (جلد اول)	در جلد اول این کتاب به مرور مبانی و مفاهیم برنامه‌ریزی توسعه پرداخته و تجربه ایران در زمینه‌ی برنامه‌های توسعه‌ای پرداخته شده است	تاریخچه	(فقیه نصیر و همکاران، ۱۳۸۸)
آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه ایران	گزارش	این گزارش به آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه در ایران پرداخته است	آسیب‌شناسی	(شبکه تحلیلگران تکنولوژی، ۱۳۸۷)
مروری بر تحول برنامه‌ریزی در ایران و چند کشور منتخب	گزارش	این گزارش تجربه برنامه‌ریزی در ایران را با ۸ کشور منتخب از حیث چند موضوع کلیدی مقایسه می‌کند.	تجربه سایر کشورها	(توفیق، ۱۳۸۷)
تجربه برنامه‌ریزی در کشور ایران	گزارش	این گزارش به معرفی انواع برنامه‌های معمول در ایران و معرفی اجمالی برنامه‌های توسعه در کشور پرداخته است.	تجربه سایر برنامه‌ریزی	(تشکینی و شفیعی، ۱۳۸۷)
بررسی تطبیقی نظام برنامه‌ریزی توسعه در ایران و کشورهای منتخب	گزارش	در این گزارش به مقایسه برنامه‌ریزی کشور ایران با کشورهای مالزی، هندوستان، چین و کره جنوبی پرداخته شده است.	تجربه سایر کشورها	(دفتر مطالعات اقتصادی، ۱۳۸۸)
بررسی نظام برنامه‌ریزی اقتصادی در ایران	کتاب	این کتاب به بررسی عمیق و تحلیلی برنامه‌های عمرانی پیش از انقلاب پرداخته است	تاریخچه پیش از انقلاب	(هادی ونوز، ۱۳۸۹)
ارزیابی شیوه برنامه نویسی توسعه در ایران	مقاله	هدف این مقاله ارزیابی روش برنامه‌های توسعه کشور طی دوره ۱۳۶۸-۸۸ و تدوین راهبردی برای پرهیز از تکرار تجربه‌های ناموفق گذشته است.	آسیب‌شناسی	(خاندوزی، ۱۳۸۹)
ارزیابی کلی برنامه‌های بعد از انقلاب	گزارش	نحوه نگرش و ساخت برنامه‌های دوم، سوم و چهارم توسعه بررسی شده و ارزیابی کلی از برنامه‌های بعد از انقلاب صورت گرفته است	تحلیل و ارزیابی برنامه	(دفتر مطالعات برنامه و بودجه، ۱۳۸۹)
سیر تحول برنامه‌ریزی در جهان	گزارش	در این گزارش به تاریخچه تحولات برنامه در جهان از شکل‌گیری در شوروی سابق تا تغییرات چند دهه‌ای اخیر اشاره شده است.	تاریخچه	(دفتر مطالعات برنامه و بودجه، ۱۳۸۹)
مجموعه مطالعات تدوین الگوی مطلوب برنامه برای ایران	گزارش	این مجموعه حاوی ۹ گزارش مفید در باره برنامه‌ریزی در ایران و برخی کشورهاست. ارزیابی برنامه‌های توسعه در ایران از دیگر موارد مفید این گزارش‌ها است.	برنامه توسعه	(دفتر مطالعات برنامه و بودجه، ۱۳۹۰)
کارکردهای الگوی توسعه	مقاله	به بررسی الگوی مطلوب توسعه برای کشور ایران پرداخته و در نهایت مدلی برای الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت ارائه نموده است.	ارزیابی	(نوبخت و غلامی تنج، ۱۳۹۰)

در ادامه به بررسی نتایج حاصل از مطالعه ادبیات برنامه‌های توسعه کشور می‌پردازیم.

۳. برنامه‌های توسعه‌ای ایران

تاریخ برنامه‌ریزی در ایران را می‌توان گویای حقیقت موجود درباره وضعیت فعلی کشور دانست. ولی تاریخ سترگ برنامه‌ریزی اجازه نمی‌دهد که در خلال یک پژوهش مختصر به همه این حقایق دست یافت. در این پژوهش سعی شده است در بررسی‌های مرتبط با ادبیات برنامه‌ریزی در کشور اهداف خاصی که مدنظر پژوهش بوده است دنبال شود، تا از این طریق تجربه کشور به‌خوبی مورد مطالعه قرار گیرد و همچنین مقدمات لازم برای ادامه پژوهش در بخش‌های دیگر فراهم شود. بنابراین برای مطالعه برنامه‌های توسعه، پرسش‌هایی مطرح شد که پاسخ‌گویی به آنها باعث می‌شود تا اهداف پژوهش به‌درستی دنبال شود.

۳-۱. پرسش‌های اساسی در مورد برنامه‌ریزی کشور

با توجه به اهداف پژوهش، اساسی‌ترین پرسش‌هایی که در مورد برنامه‌های توسعه‌ای در کشور می‌توان مطرح کرد به شرح زیر است:

۱. سابقه برنامه‌ریزی توسعه در ایران به چه زمانی برمی‌گردد؟ (مروری بر تاریخچه برنامه‌ریزی در ایران)

۲. دیده‌مان غالب برنامه‌ریزی در کشور چگونه بوده است؟

۳. از نقطه‌نظر پوشش موضوعی، افق زمانی، نحوه برخورد با فضا (آمایش سرزمین)، پوشش جغرافیایی، روش تهیه و روش اجرا) برنامه‌ها چه ویژگی‌هایی داشته‌اند؟

۴. برنامه‌های مختلف به چه میزان در دستیابی به اهداف خود موفق بوده‌اند و اهداف و عملکرد برنامه‌های توسعه چه تناسبی با هم داشته‌اند؟

۵. چه آسیب‌ها و موانعی در راه اجرایی شدن برنامه‌ها وجود داشته است؟

نکته نخست درباره این پرسش‌ها این است که به هریک می‌توان پاسخ‌های مفصلی داد که در مجال و قالب این پژوهش نمی‌گنجد. بنابراین در این پژوهش سعی شده است پاسخ‌ها در قالب جدول‌هایی مختصر و مفید جمع‌آوری شوند تا برای خوانندگان مفیدتر واقع شده و همچنین گویای روند تحولات برنامه‌ها باشند. پاسخ چهار پرسش نخست در این بخش داده شده و پرسش پنجم در بخش‌های بعدی پاسخ داده خواهد شد.

نکته بعدی این است که با توجه به اینکه انقلاب اسلامی را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ این سرزمین برشمرد، پاسخ به این پرسش‌ها در دو دوره زمانی پیش از انقلاب اسلامی و پس از انقلاب اسلامی مدنظر قرار گرفت و تأکید پژوهش بر برنامه‌های پس از انقلاب بیشتر بوده است. در ادامه به بررسی برنامه‌های توسعه در قالب پاسخ‌گویی به پرسش‌های بالا می‌پردازیم.

۲-۳. برنامه‌های عمرانی پیش از انقلاب

با شکل‌گیری دولت نوین در ایران، در دوره ۱۳۲۰-۱۳۰۳، دولت نقش جدیدی در حوزه اقتصادی برعهده گرفت. در سال ۱۳۱۶ برای نخستین بار لزوم تدوین برنامه (یا به زبان آن روز نقشه اقتصادی) برای هماهنگی اقدام‌های عمرانی دولت مطرح شد، اما تا پیش از سال ۱۳۲۵ این فکر عملی نشد. پس از جنگ جهانی دوم و در دوره ۱۳۵۶-۱۳۲۷، پنج برنامه عمرانی تهیه، تصویب و به اجرا گذاشته شد (هادی ونوز، ۱۳۸۹). در یک جمع‌بندی می‌توان دیدگاه غالب حاکم بر برنامه‌های عمرانی کشور پیش از پیروزی انقلاب اسلامی را در قالب جدول زیر جمع‌بندی کرد نوبخت و غلامی نتاج، ۱۳۹۰: ۲۳۱-۲۱۳؛ هادی ونوز، ۱۳۸۹؛ فقیه نصر و همکاران، ۱۳۸۸).

جدول شماره (۲). دیدگاه غالب حاکم بر برنامه‌های عمرانی کشور پیش از پیروزی انقلاب اسلامی

(۱۳۵۷-۱۳۲۷)

عنوان برنامه	دوره برنامه	دیدگاه غالب حاکم بر برنامه توسعه	مشخصات
برنامه عمرانی اول	۱۳۲۸-۱۳۳۴	تأکید بر عمران و زیرساخت‌ها؛ محورهای کشاورزی و آبیاری - صنایع و معادن - صنعت نفت - راه‌سازی، بندرها و فرودگاه‌ها - امور اجتماعی	مجموعه طرح‌های اقتصادی و اجتماعی
برنامه عمرانی دوم	۱۳۳۵-۱۳۴۱	تلقی فیزیکی و اقتصادی صرف از توسعه؛ اصلاحات ارضی - ارتقای رفاه	مجموعه طرح‌های فیزیکی زیربنایی
برنامه عمرانی سوم	۱۳۴۲-۱۳۴۶	تأکید بر شهر - صنعت و اصالت رشد (اولین برنامه جامع)؛ مدرنیزاسیون - پیوند کشاورزی و صنعت - رشدگرایی محض	برنامه جامع
برنامه عمرانی چهارم	۱۳۴۷-۱۳۵۱	رشد همراه با برابری و عدالت؛ تحول نظام اداری متناسب با ساختار اقتصادی کشور - ارائه راهکارهایی برای رفع توسعه نامتوازن	برنامه جامع / برنامه‌ریزی منطقه‌ای
برنامه عمرانی پنجم	۱۳۵۲-۱۳۵۶	رشد متوازن و توزیع برابر درآمدها و توسعه اجتماعی؛ تأکید بر محیط‌زیست - توجه به صنایع بزرگ (نیروگاه - خودرو) - افزایش واردات	برنامه جامع
برنامه عمرانی ششم	۱۳۵۷-۱۳۶۱	ارتقای زندگی همه گروه‌های جامعه و محیط‌زیست	اجرا نشد

از نظر پوشش موضوعی، افق زمانی، نحوه برخورد با فضا (آمایش سرزمین)، پوشش جغرافیایی، روش تهیه و روش اجرا، ویژگی‌های برنامه‌های پیش از انقلاب

در جدول زیر خلاصه شده است (توفیق، ۱۳۸۷).

جدول شماره (۳). ویژگی‌های مختلف برنامه‌های توسعه پیش از انقلاب

برنامه‌های پیش از انقلاب				
برنامه عمرانی اول	برنامه عمرانی دوم	برنامه عمرانی سوم	برنامه عمرانی چهارم	برنامه عمرانی پنجم
<p>پوشش جغرافیایی</p> <p>ملی بود که بعد از کسر کردن برخی هزینه‌های معین، باقی‌مانده بین استان‌ها و شهرستان‌ها تقسیم می‌شد.</p>	<p>پوشش جغرافیایی شامل طرح‌های ملی بود که هدف آن افزایش تولید، بهبود صادرات، تهیه مایحتاج درون کشور و... بود.</p>	<p>برنامه‌ریزی به صورت ملی بود. برنامه‌های عمرانی استان‌ها باید محلی (استانداران و فرمانداران کل) تهیه می‌شد.</p>	<p>به صورت ملی تهیه شده بود. با توجه به اتمام روند اصلاحات ارضی، گسترش شرکت‌های تعاونی روستایی و عمران روستایی از جمله اهداف مهم برنامه بود.</p>	<p>برنامه پنجم در سطح ملی و منطقه‌ای بود و در آن توسعه منطقه‌ای مدنظر قرار گرفت.</p>
۷ سال	۷ سال	۵/۵ سال	۵ سال	۵ سال
<p>سرمین</p> <p>نخستین برنامه‌ریزی منطقه‌ای با اهداف سیاسی-اجتماعی اسکان عشایر شاهسون در دشت مغان در سال ۱۳۳۲ بود.</p>	<p>توجه عمیق‌تر به برنامه‌ریزی منطقه‌ای، در این برنامه طرح‌ها در قالب توسعه مناطق مختلف مثل خوزستان، جنوب شرقی و... صورت پذیرفت.</p>	<p>برنامه‌ریزی منطقه‌ای نسبت به برنامه‌های قبل رواج بیشتری داشت. طرح‌های عمرانی قزوین، خوزستان، جیرفت، کهگیلویه و بویراحید در این برنامه اجرایی شد.</p>	<p>شناسایی منابع و امکانات توسعه مناطق مستعد و تعیین قطب‌های توسعه در هر منطقه و تمرکز سرمایه‌گذاری در آنها به منظور تسهیل رشد اقتصادی است.</p>	<p>در برنامه پنجم برای نخستین بار برنامه آمایش سرزمین در سال ۱۳۵۱ مطرح شد.</p>
<p>پوشش موضوعی</p> <p>شامل بخش‌های کشاورزی و آبیاری، صنعت و معدن، راه، پست و... (برنامه‌های بخشی)</p>	<p>رشد اقتصادی موضوع اصلی بود. طرح‌هایی برای چهار بخش کشاورزی، صنایع و معادن، ارتباطات و مخابرات امور اجتماعی تهیه شده بود.</p>	<p>موضوع اصل رشد اقتصادی، موضوعات دیگر شامل ایجاد اشتغال، توزیع عادلانه درآمد و حفظ ثبات نسبی قیمت‌ها و موازنه پرداخت‌های خارجی</p>	<p>اهداف در سطح کلان و ملی ارائه شده و این اهداف کلی به اهداف جزئی شکسته شدند. از روی این اهداف جزئی بخش‌های مختلف تعیین شدند؛ مثلاً هدف رشد اقتصادی (۱۰ درصد) تعیین شده بود و از روی این هدف کلان رشد بخش‌های مختلف (کشاورزی، صنعت و...) بیان شده بود.</p>	<p>موضوعات اصلی در برنامه پنجم به صورت اهداف اقتصاد کلان شامل ارتقای سطح دانش و بهداشت، حفظ رشد سریع اقتصادی، حفظ ثبات نسبی قیمت‌ها و اهداف مربوط به حفظ محیط‌زیست بود.</p>
<p>روش اجرا</p> <p>اجباری-دولتی و در بخشی از امور بنا به مصلحت پروژه‌ها به بخش خصوصی سپرده می‌شد.</p>	<p>اجباری-دولتی و در بخشی از امور بنا به مصلحت پروژه‌ها به بخش خصوصی سپرده می‌شد.</p>	<p>اجباری-دولتی و در بخشی از امور بنا به مصلحت پروژه‌ها به بخش خصوصی سپرده می‌شد.</p>	<p>نحوه اجرای برنامه چهارم برای ارگان‌های دولتی و دستگاه‌های اجرایی از طریق بخشنامه‌ها و برای بخش خصوصی استفاده از سیاست‌های تشویقی و ارشادی بود.</p>	<p>دستگاه‌های اجرایی پروژه‌ها را پیشنهاد و در سازمان برنامه سازگاری این طرح‌ها با اهداف مورد بررسی قرار می‌گرفت و در صورت پذیرش، بودجه تخصیص می‌یافت.</p>
<p>روش تهیه</p> <p>راهبرد هر بخش به طور مشخص بیان شده و سپس در راستای این راهبرد اهداف معینی تعریف شده و منابع مالی تحقق این اهداف مشخص شده است.</p>	<p>برنامه دوم همچون برنامه اول عمرانی به صورت مجموعه‌ای از طرح‌ها بوده و از جامعیت برخوردار نبود. در قانون برنامه به جزئیات طرح‌ها اشاره نشده است، ولی سهم اعتبارات چهار بخش کلی اقتصاد دقیقاً مشخص شده است.</p>	<p>برنامه سوم در دو سطح کلان و بخشی تهیه شد. در هر بخش دو مجموعه عملیات بود که تحت عنوان برنامه هسته و برنامه غیر هسته قرار می‌گرفت. این برنامه دیگر به صورت مجموعه‌ای از طرح‌ها نبود، بلکه به صورت جامع تهیه شد.</p>	<p>در زمان تدوین برنامه چهارم تصور خوبی از برنامه جامع وجود نداشت (که ناشی از ضعف عملکرد این نوع رویکرد در برنامه سوم بود)؛ از این رو به ضرورت تهیه برنامه‌های یک‌ساله هم‌زمان و همسو با برنامه میان‌مدت تأکید شد. در حالت کلی این برنامه هم از نوع برنامه‌های جامع بود.</p>	<p>در برنامه پنجم علاوه بر اینکه خود برنامه‌ریزی از نوع جامع بود، چندین برنامه جامع موضوعی بلندمدت نیز تهیه شد.</p>

۳-۳. برنامه‌های توسعه پس از انقلاب

دوران پس از انقلاب اسلامی را می‌توان به دو دهه ۱۳۶۷-۱۳۵۷ و ۱۳۶۸ به بعد تقسیم کرد. در دهه اول، نظام جمهوری اسلامی ایران با مسائل شکل‌گیری انقلاب، فرار سرمایه، مهاجرت نیروی انسانی بسیار کارآمد، ملی کردن بسیاری از صنایع و بانک‌ها، مدیریت اقتصادی، جنگ هشت‌ساله و بسیاری مسائل اجتماعی-سیاسی روبه‌رو بود. با خاتمه جنگ در تابستان ۱۳۶۷ و ضرورت بازسازی مناطق جنگی و داشتن برنامه مدون توسعه‌ای دوباره قوت گرفت و برنامه‌ریزی توسعه‌ای دوباره در کشور شکل گرفت. پس از آن تا امروز ۵ برنامه توسعه پنج‌ساله تصویب و اجرایی شده است. در یک جمع‌بندی می‌توان دیدگاه‌مان غالب حاکم بر برنامه‌های توسعه‌ای کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی را در قالب جدول زیر جمع‌بندی کرد (نوبخت و غلامی نتاج، ۱۳۹۰: ۲۳۱-۲۱۳؛ تشکینی و شفیع‌ی، ۱۳۸۷؛ فقیه نصر و همکاران: ۱۳۸۸؛ دفتر مطالعات برنامه و بودجه، ۱۳۹۱).

جدول شماره (۴). دیدگاه‌مان غالب حاکم بر برنامه‌های پس از انقلاب اسلامی (۱۳۶۸-۱۳۸۸)

عنوان برنامه	دوره برنامه	دیدگاه‌مان غالب حاکم بر برنامه توسعه
بدون برنامه	۱۳۶۶-۱۳۵۸	برنامه یا بی‌برنامگی: منابع درآمدی کشور-جنگ تحمیلی
برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی	۱۳۶۸-۱۳۷۲	بازسازی سرمایه‌های فیزیکی و انسانی: تعیین و اصلاح الگوی مصرف‌رشد و تکامل مادی و معنوی * در سال ۱۳۷۰ تعدیل ساختاری (درک نئوکلاسیک از توسعه) رخ داد
برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی	۱۳۷۴-۱۳۷۸	تأکید بر رشد اقتصادی (الگوی کینزی): نقش دولت و تلفیق آن با نقش بازار (دخالت دولت برای رفع نوسانات) - حمایت از صنایع داخلی - حمایت از تولید
برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی	۱۳۷۹-۱۳۸۳	اصلاح ساختار اقتصادی مبتنی بر توسعه اقتصاد رقابتی (الگوی توسعه نئوکلاسیک با گرایش نظریه نهادگرایی): آزادسازی نظام اقتصادی با شکل‌گیری نظام جامع تأمین اجتماعی - لغو انحصارات - کاهش تصدی‌گری دولت - توجه به ضرورت خصوصی‌سازی
برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی	۱۳۸۴-۱۳۸۸	توسعه مبتنی بر دانایی، سرمایه اجتماعی، رشد سریع اقتصادی و جهانی شدن: برنامه‌ریزی از پایین به بالا - تبعیت از سند چشم‌انداز - اقتصاد غیرنفی و فاقد یارانه و متکی به بخش خصوصی - تأکید بر خصوصی‌سازی - تقویت سرمایه اجتماعی - شوک‌درمانی قیمت‌ها
لایحه برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی	۱۳۸۹-۱۳۹۳	پیشرفت همراه با عدالت: استقرار الگوی توسعه اسلامی، ایرانی - اصلاح نظام اداری

از نقطه‌نظر پوشش موضوعی، افق زمانی، نحوه برخورد با فضا (آمایش سرزمین)، پوشش جغرافیایی، روش تهیه و روش اجرا) ویژگی‌های برنامه‌های پیش از انقلاب در جدول زیر خلاصه شده است (توفیق، ۱۳۸۷).



جدول شماره (۵). ویژگی‌های مختلف برنامه‌های توسعه پس از انقلاب

برنامه‌های بعد از انقلاب				
برنامه توسعه اول	برنامه توسعه دوم	برنامه توسعه سوم	برنامه توسعه چهارم	
ملی - منطقه‌ای برای مناطق محروم کشور برنامه امتیازات ویژه‌ای در نظر گرفته شده بود.	ملی-منطقه‌ای برای استان‌ها در قالب محرومیت‌زدایی (به‌ویژه از روستاها) برنامه‌هایی تدوین شد.	ملی-منطقه‌ای شوراهای برنامه‌ریزی و توسعه استان‌ها به‌منظور برنامه‌ریزی برای استان‌ها تشکیل شد.	ملی-منطقه‌ای شوراهای برنامه‌ریزی استان‌ها موظف شدند با همکاری و تعامل کلیه دستگاه‌های استانی، برنامه پنج‌ساله استان را تهیه و پس از تصویب شورای برنامه‌ریزی استان به تصویب نهایی هیئت وزیران برسانند.	پوشش جغرافیایی
۵ سال	۵ سال	۵ سال	۵ سال	افق زمانی
یکی از اهداف اصلی سازمان‌دهی فضایی و جغرافیایی جمعیت و فعالیت‌ها، متناسب با مزیت‌های هر منطقه بود.	به‌منظور توسعه روستاهای محروم و ایجاد تعادل‌های منطقه‌ای در روستاها در طول برنامه باید اقداماتی صورت می‌پذیرفت.	به‌صراحت به موضوع آمایش سرزمین می‌پردازد و قوانین معینی در این زمینه تدوین شده است.	به‌صراحت به موضوع آمایش سرزمین می‌پردازد و قوانین معینی در این زمینه تدوین شده است.	آمایش سرزمین
موضوعات بسیار متنوع و وسیع بود: ارتقای رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی، بازسازی بنیه دفاعی، بازسازی مناطق جنگی، بهبود نظام تعلیم و تربیت و...	شباهت زیادی به برنامه اول دارد، ولی تفاوت‌هایی هم وجود دارد. مثلاً از تأکید به بازسازی مناطق جنگی و تجهیز بنیه دفاعی کاسته شده و موضوعاتی همانند ارتقای بهره‌وری و حفظ محیط‌زیست مطرح شده بود.	اصلاح ساختار اداری و مدیریت، سامان‌دهی شرکت‌های دولتی، حرکت به سمت اقتصاد بازار، توجه به اشتغال، توسعه علوم و فنون و...	توسعه دانش پایه و دانایی‌محور و در تعامل با جهان، حفظ محیط‌زیست، آمایش سرزمین و توازن منطقه‌ای، توسعه سلامت، امنیت انسانی و کرامت اجتماعی، تأمین مطمئن امنیت ملی و بازدارندگی همه‌جانبه، صیانت از هویت و فرهنگ اسلامی-ایرانی	پوشش موضوعی
ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی برای انجام امور مرتبط با برنامه مسئولیت قانونی داشتند.	همچون برنامه قبل بخش‌های دولتی مکلف به اجرای برنامه‌ها بودند.	انجام برنامه‌ها برای شرکت‌های دولتی اجباری بود و به‌منظور تشویق بخش خصوصی سیاست‌های تشویقی در خود قانون برنامه مطرح شده بود.	همانند برنامه‌های قبل شیوه اجرا برای بخش دولتی اجباری و برای بخش خصوصی تشویقی است.	روش اجرا
در برنامه اول ابتدا اهداف کلی برنامه تدوین شده و از روی آنها برای بخش‌های مختلف در قالب هدف‌گذاری مقادیری تعیین می‌شد.	همانند برنامه اول در ابتدا اهداف کلی برنامه تدوین می‌شد و با توجه به آنها اهداف جزئی و بعد اهداف بخشی و درنهایت از روی اهداف بخش‌های مختلف (مثل بخش آب، ساختمان و...) طرح‌ها تدوین می‌شد.	ویژگی برنامه سوم نسبت به برنامه‌های قبل این است که در آن برای بخش‌های مختلف اقتصاد هم برنامه‌ریزی انجام شده و هر بخش برای خود برنامه مشخصی دارد.	ویژگی برنامه چهارم تدوین سند چشم‌انداز و تحول آن به صورت «برنامه‌ریزی هسته‌های خط‌دهنده» که متکی بر پروگرام‌های اجرایی می‌باشد، تنظیم شده است.	روش تهیه

۴. مقایسه اهداف برنامه‌های توسعه با عملکرد آنها در مورد برخی شاخص‌ها
 بررسی برنامه‌های توسعه از این نظر اهمیت دارد که با سنجش برخی شاخص‌های کلیدی می‌توان میزان تحقق اهداف برنامه‌ها یا انحراف از هدف‌های ذکر شده در برنامه‌های توسعه را محاسبه کرد. نکته مهم این است که آیا وضعیت شاخص‌های مورد سنجش در فضای وجود برنامه بهبود قابل ملاحظه‌ای یافته است؟ به عبارتی وجود برنامه‌های توسعه عاملی برای رشد شاخص‌های کلیدی و تسریع‌کننده

دستیابی به اهداف توسعه‌ای بوده است؟ در ادامه به بررسی میزان تطابق اهداف و عملکرد در برنامه‌های پس از انقلاب اسلامی می‌پردازیم.

۱-۴. عملکرد برنامه اول

عملکرد برنامه اول توسعه نشان می‌دهد که با شروع برنامه، رشد اقتصادی، چشمگیر بود؛ اما در سال‌های آخر برنامه، روند رشد اقتصاد، نزولی شد. رشد اقتصادی که در سال ۱۳۷۰ حدود ۱۰/۱ درصد بود در سال ۱۳۷۲ به ۴/۹ درصد رسید. این امر نشان‌دهنده آن است که این برنامه نتوانست رشدی مستمر و پایدار را در اقتصاد شکل دهد و رشد اقتصادی تحت تأثیر تحولات خارج از کنترل برنامه قرار گرفت. از رویدادهای مهم این دوره، افزایش موقت درآمدهای نفتی کشور ناشی از اشغال نظامی کویت، تزریق سریع وام‌های خارجی در اقتصاد ملی و به تبع آن، به وجود آمدن بحران سررسید بدهی‌ها بود. علاوه بر این، برنامه در طول اجرا، دستخوش تغییر و تحول شد (خالصی و فرهادی‌کیا، ۱۳۸۸). همان‌گونه که در جدول شماره (۶) ملاحظه می‌شود، متوسط سالانه رشد اقتصادی در طول برنامه حدود ۷/۴ درصد بود. هرچند افزایش رشد اقتصادی، به‌ویژه در مقایسه با سال‌های پیش از برنامه دستاورد مثبت برنامه محسوب می‌شود، اما در مقایسه با رشد هدف‌گذاری شده در برنامه، پایین‌تر بود که حاکی از عدم تحقق صد درصد اهداف برنامه است. در برنامه اول توسعه به‌طور متوسط در هر سال ۳۸۴۰۰۰ فرصت‌های شغلی جدید ایجاد شد که حاکی از تحقق ۹۷ درصدی هدف برنامه بود. برنامه اول در دستیابی به هدف کاهش نرخ بیکاری موفق بود، به‌گونه‌ای که در پایان برنامه، نرخ بیکاری به ۱۱/۵ درصد کاهش یافت.

در برنامه مقرر شده بود که سرمایه‌گذاری توسط بخش غیردولتی با نرخ رشد متوسط سالانه ۱۲/۲ درصد افزایش یابد که بیشتر از رشد در نظر گرفته شده برای بخش دولتی بود. در عمل، رشد متوسط سالانه سرمایه‌گذاری توسط بخش دولتی بیشتر از بخش غیردولتی بود؛ بنابراین، می‌توان گفت رویکرد برنامه مبنی بر افزایش نقش بخش خصوصی در اقتصاد موفقیت‌آمیز نبود (جدول شماره ۶).

جدول شماره (۶). مقایسه عملکرد برخی شاخص‌های اقتصادی در برنامه اول توسعه

عملکرد	هدف	شرح
۷/۴	۸/۱	رشد اقتصادی (درصد)
۹/۲	۱۱/۶	رشد سرمایه‌گذاری (درصد)
۲۲/۷	۱۱	دولتی
۱/۴	۱۲/۲	غیردولتی
۳۸۴	۳۹۴	اشتغال جدید (هزار نفر)
۱۱/۵	۱۳/۴	نرخ بیکاری (درصد)
۲۵/۱	۸/۲	نقدینگی
۱۸/۹	۱۴/۴	تورم

مأخذ: قانون برنامه اول توسعه و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
 عملکرد رشد نقدینگی در این برنامه بیشتر از هدف مورد نظر (۸/۲ درصد در سال) بود. متوسط رشد سالانه نقدینگی در برنامه اول ۲۵/۱ درصد بود. براساس اطلاعات جدول شماره (۶)، متوسط رشد سالانه تورم در طول برنامه اول ۱۸/۹ درصد بوده که ۴/۵ درصد بیش از میزان هدف‌گذاری شده برنامه است.

برنامه اول توسعه در زمینه‌های اجتماعی دستاوردهای مهمی داشت، که از آن جمله می‌توان کاهش نرخ رشد جمعیت (از ۳/۵ درصد به حدود ۲ درصد)، کاهش نرخ مرگ‌ومیر، افزایش نرخ باسوادی و افزایش پوشش تحصیلی را نام برد. به‌طور کلی برنامه اول توسعه در ایجاد بسترهای قانونی متناسب با سیاست‌های راهبردی اعلام‌شده خود، موفق عمل نکرد؛ به‌گونه‌ای که استراتژی خصوصی‌سازی و سیاست‌های آزادسازی ارز و تجارت خارجی به‌طور کارآمد به مرحله اجرا درنیامد و به‌دلیل مشکلات به‌وجودآمده، موجب تورم قیمت‌ها در یکی، دو سال آخر برنامه اول شد که سیر صعودی آن تا اوایل برنامه دوم نیز ادامه یافت.

۲-۴. عملکرد برنامه دوم توسعه

برنامه دوم توسعه در شرایطی آغاز شد که با بهره‌برداری از ظرفیت‌های بدون استفاده موجود در سال‌های برنامه اول، هرگونه تغییر در روندهای اقتصادی مستلزم سرمایه‌گذاری در زمینه‌های جدید اقتصادی بود. بروز بحران بدهی‌های ارزی در اوایل برنامه یادشده و لزوم صرفه‌جویی در مصارف ارزی، عدم ثبات در سیاست‌های پولی و مالی و ارزی، کاهش قیمت نفت از مقدار پیش‌بینی‌شده در سال ۱۳۷۶ و کاهش شدیدتر آن در سال ۱۳۷۷، خشکسالی در اکثر استان‌های کشور و تحولات سیاسی در داخل کشور باعث شد تا دستیابی به اهداف پیش‌بینی‌شده در برنامه با مشکلاتی همراه شود.

به عبارت دیگر، در اجرای برنامه دوم تغییر جهت اساسی از استراتژی‌های اعلام شده روی داد. کنترل ارز، فشار بدهی‌های خارجی، افزایش نرخ تورم و افزایش انتظارات تورمی و فشار تقاضا برای خرید کالا و ارز باعث شد تا مجموعه‌ای از سازوکارهای کنترل اقتصادی شامل سیستم ارز چندنرخ، برقراری دوباره کنترل قیمت‌ها، کنترل واردات و اعمال سیاست انقباض پولی به وجود آید (خالصی و فرهادی کیا، ۱۳۸۸).

عملکرد برنامه دوم توسعه نشان می‌دهد، میانگین رشد تولید ناخالص داخلی ۳/۲ درصد در سال بود که با هدف برنامه مبنی بر رشد اقتصادی ۵/۱ درصدی، فاصله داشت. با توجه به اینکه سرمایه‌گذاری توسط بخش غیردولتی در برنامه دوم با رشد متوسط سالانه ۱۳/۷ درصد افزایش یافت، می‌توان گفت نقش بخش خصوصی در اقتصاد در مقایسه با برنامه اول، بیشتر بود.

عملکرد برنامه دوم توسعه از لحاظ ایجاد فرصت‌های شغلی و نرخ بیکاری مطابق با اهداف تعیین شده نبود؛ به طوری که طبق اهداف برنامه دوم توسعه، باید نرخ بیکاری به ۱۲/۶ درصد کاهش می‌یافت، در حالی که عملکرد آن ۱۳/۱ درصد را نشان می‌دهد. ضمن اینکه اشتغال جدید ایجاد شده در سال‌های برنامه دوم حدود ۲۶۳۰۰۰ نفر بود که باید طبق هدف برنامه‌ای آن ۴۰۴۰۰۰ اشتغال جدید ایجاد می‌شد.

در حوزه پولی و تورم نیز اهداف برنامه محقق نشد؛ به گونه‌ای که متوسط عملکرد نرخ رشد نقدینگی در سال‌های برنامه دوم توسعه برابر با ۲۵/۵ درصد بود، در حالی که براساس هدف پیش‌بینی شده آن باید ۱۲/۵ درصد می‌شد. همچنین متوسط عملکرد نرخ تورم در طول برنامه دوم حدود ۲۵/۶ درصد بود که از رقم هدف برنامه‌ای آن حدود ۱۳/۲ واحد درصد بیشتر بوده است (جدول شماره ۷).

جدول شماره (۷). مقایسه عملکرد برخی شاخص‌های اقتصادی در برنامه دوم توسعه

شرح	هدف	عملکرد
رشد اقتصادی (درصد)	۵/۱	۳/۲
رشد سرمایه‌گذاری (درصد)	۶/۲	۸
دولتی	-	۱/۲
غیردولتی	-	۱۳/۷
اشتغال جدید (هزار نفر)	۴۰۴	۲۶۳
نرخ بیکاری (درصد)	۱۲/۶	۱۳/۱
نقدینگی	۱۲/۵	۲۵/۵
تورم	۱۲/۴	۲۵/۶

مأخذ: قانون برنامه دوم توسعه و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

۳-۴. عملکرد برنامه سوم توسعه

خط‌مشی‌های یادشده در قسمت پیشین از سال ۱۳۷۹ اجرایی و در این راستا، اقدام‌ها و اصلاحاتی آغاز شد که از جمله این اصلاحات می‌توان به اصلاح نرخ ارز و اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز، جایگزینی تدریجی تعرفه به جای موانع غیرتعرفه‌ای و فراهم آوردن شرایط برای کاهش تعرفه‌ها، تأسیس بانک‌های خصوصی داخلی و بانک‌های خارجی در مناطق آزاد به همراه تقویت بازار بورس (راه‌اندازی بورس‌های منطقه‌ای و کالایی) و نظام مالی غیربانکی به منظور انحصارزدایی از شبکه بانکی و تأمین اطمینان بیشتر برای سرمایه‌گذاری، تصویب و اجرای قانون سرمایه‌گذاری خارجی، قانون جدید مالیات‌ها، قانون تجمیع عوارض، حذف پیمان‌سپاری برای صدور کالا، خصوصی‌سازی بانک‌ها، ایجاد بیمه خصوصی و ایجاد حساب ذخیره ارزی اشاره کرد که برای تحکیم بنیان‌های تولید و سرمایه‌گذاری بود (خالصی و فرهادی‌کیا، ۱۳۸۸).

جدول شماره (۸). مقایسه عملکرد برخی شاخص‌های اقتصادی در برنامه سوم توسعه

شرح	هدف	عملکرد
رشد اقتصادی (درصد)	۶	۶/۱
رشد سرمایه‌گذاری (درصد)	۷/۱	۱۰/۷
دولتی	۴/۱	۶/۱
غیردولتی	۱۲/۳	۱۳
اشتغال جدید (هزار نفر)	۷۶۵	۵۸۹
نرخ بیکاری (درصد)	۱۲/۶	۱۲/۳
نقدینگی	۱۶/۴	۲۸/۹
تورم	۱۵/۹	۱۴/۱

مأخذ: قانون برنامه سوم توسعه و بانک مرکزی
با توجه به توضیحات یادشده، از مهم‌ترین سیاست‌های اجراشده در برنامه سوم توسعه، ایجاد حساب ذخیره ارزی و یکسان‌سازی نرخ ارز بود. ایجاد حساب ذخیره ارزی حاصل از صادرات نفت خام به نوعی اصلاح ساختار بودجه به منظور کنترل نوسان‌های درآمد نفتی و ایجاد منابع سرمایه‌گذاری به‌ویژه برای بخش خصوصی به‌شمار می‌آید. یکسان‌سازی نرخ ارز با توجه به اینکه نرخ ارز در بودجه‌های سالانه برای برآوردهای ریالی در نظر گرفته می‌شود، بودجه سالانه را تحت تأثیر قرار می‌دهد (خالصی و فرهادی‌کیا، ۱۳۸۸).

حاصل تلاش‌های انجام‌شده در طول برنامه سوم، دستیابی به متوسط رشد اقتصادی سالانه ۶/۱ درصدی و رشد سرمایه‌گذاری ۱۰/۷ درصدی بوده که بیشتر از اهداف برنامه است. عملکرد بازار کار در برنامه سوم توسعه نسبت به برنامه دوم توسعه در وضعیت بهتری قرار داشت؛ به‌گونه‌ای که نزدیک به ۷۶ درصد

فرصت‌های شغلی جدید تحقق یافت و نرخ بیکاری در پایان برنامه به کمتر از میزان هدف گذاری شده رسید. به‌طور کلی این برنامه نسبت به برنامه‌های دیگر موفق‌تر عمل کرد و منجر به بهبود شرایط عمومی کسب‌وکار شد (جدول شماره ۸).

متوسط رشد سالانه تورم در برنامه سوم ۱۵/۹ درصد هدف‌گذاری شده بود که با توجه به عملکرد ۱۴/۱ درصدی آن، می‌توان گفت این برنامه در دستیابی به این هدف موفق بوده است. برنامه سوم توسعه نیز در برخی اهداف خود ناکام بود که می‌توان به روند کند خصوصی‌سازی، ادامه پرداخت یارانه‌های سنگین به بخش انرژی و تولید کشور، موفق نبودن در زمینه مقررات‌زدایی و لغو انحصارات و رواج بازار قاچاق و بازار غیررسمی اشاره کرد.

جدول شماره (۹). مقایسه عملکرد برخی شاخص‌های اقتصادی در برنامه چهارم توسعه

شرح	هدف	عملکرد
رشد اقتصادی (درصد)	۷/۴	۶/۷
رشد سرمایه‌گذاری (درصد)	۱۱/۳	۶
دولتی	-	۹
غیردولتی	-	۴/۷
اشتغال جدید (هزار نفر)	۸۴۸	*۷۲۵
نرخ بیکاری (درصد)	۱۱	۱۲/۷
نقدینگی	۲۲	۳۳/۷
تورم	۱۱/۷	۱۳/۵

مأخذ: قانون برنامه چهارم توسعه و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و محاسبات دفتر نظارت برنامه
* آمار اشتغال برگرفته از گزارش دفتر نظارت برنامه است.

۴-۴. عملکرد برنامه چهارم توسعه

همان‌گونه که در جدول شماره (۹) مشاهده می‌کنید، مقایسه عملکرد و اهداف پیش‌بینی شده در برنامه چهارم نشان می‌دهد که میانگین رشد سالانه اقتصادی در سه سال اول برنامه چهارم، حدود ۶/۷ درصد بوده که از متوسط رشد سالانه موردنظر برنامه برای این سه سال، یعنی حدود ۷/۴ درصد، کمتر است. متوسط رشد سالانه سرمایه‌گذاری نیز طی دوره یادشده حدود ۶ درصد بوده است. بررسی سه شاخص مهم دیگر، اشتغال جدید، نرخ بیکاری و نرخ تورم نشان می‌دهد که طبق اهداف برنامه چهارم توسعه، نرخ بیکاری باید در پایان سال سوم به ۱۰/۱ درصد کاهش می‌یافت، در صورتی‌که عملکرد آن ۱۲/۷ درصد شده است. عملکرد اشتغال جدید در سه سال اول برنامه یادشده به‌طور متوسط ۷۲۵۰۰۰ در سال بوده

است که باید طبق اهداف برنامه متناظر آن به ۸۴۸۰۰۰ نفر بالغ می‌شد. نرخ تورم از ۱۰/۴ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۱۸/۴ درصد در سال ۱۳۸۶ افزایش یافته است.

۵. گام دوم: ترکیب نتایج پژوهش‌های انتخاب‌شده و مقایسه آنها با یکدیگر
در این مرحله مطالعات انجام‌شده در مرحله پیشین مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. فهرستی از آسیب‌های شناسایی‌شده در حوزه‌های مختلف برنامه‌ریزی توسعه تهیه شد و اهداف و عملکرد برنامه‌ها مورد مقایسه قرار گرفت.

۵-۱. دسته‌بندی آسیب‌ها و مدل‌سازی در سه سطح

به‌رغم ضرورتی که در نظم‌دهی به ابعاد مختلف آسیب‌های برنامه‌های توسعه و بررسی آنها در قالب یک مدل جامع وجود داشته است، بررسی پارادایم‌های حاکم، اغلب به‌طور پراکنده و محدود به یک یا چند بعد خاص بوده است. در این پژوهش، با توجه به وسعت طیف نظرات به‌کارگرفته‌شده، سعی شد با نظم‌دهی به ابعاد مختلف آسیب‌ها، مخاطبان را در درک و رفع آنها یاری نماید. در همین راستا آسیب‌های برنامه‌های توسعه در سه سطح دسته‌بندی شد.

سطح نخست: آسیب‌های مربوط به پیش‌نیازهای برنامه‌ریزی؛

سطح دوم: آسیب‌های مربوط به مرحله برنامه‌ریزی (شامل فرایند و محتوا)؛

سطح سوم: آسیب‌های مربوط به پس از برنامه‌ریزی و معطوف به حوزه اجرا.

در هر دسته در حدود ۴۰ تا ۵۰ مورد آسیب از منابع مختلف گردآوری شد که موارد

مشابهی در هر دسته دیده می‌شد. در گام بعدی دسته‌بندی در زیردسته‌ها انجام شد.

۵-۱-۱. سطح اول: آسیب‌های مربوط به پیش‌نیازهای برنامه‌ریزی

به آن دسته از ایرادهایی اشاره دارد که به مرحله پیش از برنامه‌ریزی برمی‌گردد. بنا بر اعتقاد کارشناسان توسعه، پیش از شروع تدوین برنامه توسعه، لازم است بسترهای برنامه‌ریزی متناسب با شرایط کشور فراهم شود. در صورت فقدان شرایط مناسب با عملکرد ضعیف و نامناسب تدوین‌کنندگان و مجریان برنامه‌ریزی توسعه، احتمالاً برنامه‌های تدوین‌شده در اجرا با شکست روبه‌رو شده و یا با حداقل اثربخشی روبه‌رو خواهند شد.



جدول شماره (۱۰). آسیب‌های مربوط به پیش‌نیازهای برنامه‌ریزی

دسته	زیردسته	نمونه آسیب	مرجع	
دسته اول آسیبها	بنیادی	فقدان فهم مشترک در سطح مفاهیم توسعه	(شبکه تحلیلگران تکنولوژی، ۱۳۸۷)	
		وجود برنامه متناقض، عدم انتخاب صحیح استراتژی توسعه، شبه دموکراتیک و متناقض بودن برنامه‌ریزی، خلط مفهوم توسعه با مظاهر توسعه، تسلط نوعی اعتقاد غیر مستدل به جبر سلسله مراتب توسعه تکراری بودن روش‌ها و الگوهای توسعه	(دفتر بررسی‌های اقتصادی، ۱۳۸۷)	
	آسیب ساختاری جامعه	ساختار اقتصادی	وابستگی شدید اقتصاد به درآمدهای نفتی (باعث می‌شود که کلیدی‌ترین و تعیین کننده ترین متغیر درآمدی اقتصاد ایران خصلتی برون‌زا و غیر قابل کنترل داشته باشد) تسلط و غلبه بخش خدمات در اقتصاد (خدمات غیر مولد، غیر منضبط و حتی مخل رشد و...) اقتصاد غیر تولیدی و تقاضای زیاد و انبوه، اقتصاد بی رونق و دچار تورم و رکودی عمیق، حضور بسیار پر رنگ دولت در اقتصاد و مدیریت توسعه (دولت متناقض)	(سیف‌الدینی و پناهنده خواه، ۱۳۸۹) (مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی، ۱۳۸۵)
		سیاسی	نوسانات ناگهانی اقتصادی-اجتماعی، عدم ثبات اقتصادی در سیاست‌های دولت	(دفتر مطالعات برنامه و بودجه، ۱۳۸۹)
	ساختار اجتماعی	ساختار سیاسی	توسعه‌نیافتگی سیاسی (غفلت در برنامه‌ها به امر توسعه سیاسی)، مشخص نبودن ساختار سیاسی مطلوب، هزینه بالای تصمیم‌های سیاسی برای اقتصاد، وجود وظایف موازی در وزارت خانه‌ها، عدم هماهنگی مراکز قدرت در مورد تصمیم گیری‌هایی که تبعات بین‌المللی اقتصادی برای کشور دارد. نبود نهادهای عمومی غیردولتی، نبود یک وفاق جامع و مانع درباره بسیاری از واقیعت‌های جهانی، نزاع‌های سیاسی بی حاصل میان گروه‌ها و جناح‌ها، عدم انسجام کافی میان قوای سه گاه، عدم وجود امنیت سیاسی لازم برای دگراندیشان	(مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی، ۱۳۸۵)
		ساختار اجتماعی	روشن نبودن حدود تعهدات ملی در قبال سایر کشورها، دخالت قدرت‌های فراملی	(مشبکی، ۱۳۷۹)
		ساختار اجتماعی	محیط غیر توسعه یافته اجتماعی ایران باعث گردیده که نظام برنامه‌ریزی قدرت انتخاب و تعیین کنندگی ندارد چرا که مکان و مجوز توسعه امور اجتماعی بیش از هر چیز در حوزه سیاسی و توسط سیاستمداران و نهادهای سیاسی صادر می‌شود، وجود بی‌ثباتی و نامنی حاکم بر شرایط اجتماعی ایران به دلیل تغییر سریع گفتمان و شعارهای مسلط در جامعه	(مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی، ۱۳۸۵)
		ساختار فرهنگی	فرهنگ حاکم و مسلط بر ایرانیان با آنچه که توسعه و شرایط توسعه‌ای شناخته می‌شود، سازگاری چندانی ندارد (بحث از الگوی رفتاری غالب و چارچوب فرهنگی مسلط است)، کار و تلاش پایین و در ارزش‌های فرهنگی غالب انگیزه کافی و پیش برنده‌ای برای توسعه و برنامه‌ریزی وجود ندارد، باور و تصور ضد برنامه‌ای، قانون‌گریزی و عدم التزام به قواعد از پیش تعیین شده، ترجیح منفعت‌گرایی شخصی بر منفعت طلبی جمعی و گروهی.	(میرزایی، ۱۳۸۳)
	نمود مکانیزم صحیح تصمیم‌سازی	عدم ارتباط سیستماتیک میان تعادل خرد و کلان در برنامه‌ها و در اندیشه سیاست‌گذاران، توجه یک جانبه به تقاضای اقتصاد	محدودیت‌های ساختاری و فرهنگی، فرمالیسم بودن برنامه‌ریزی	(فقیه نصیر و همکاران، ۱۳۸۸)
		پایبند نبودن به اولویت‌های استراتژیک، فقدان نگرش جامع در شناخت تولمندی‌های کشور، روشن نبودن گزینه‌های مختلف استراتژیک در برخورد با مسائل، فقدان تجزیه و تحلیل جامع فرصت‌ها و خطرهای ملی	محدودیت‌های ساختاری و فرهنگی، فرمالیسم بودن برنامه‌ریزی	(دفتر بررسی‌های اقتصادی، ۱۳۸۷)
ناتوانی مردم برای مشارکت در فعالیت‌ها		محدودیت‌های ساختاری و فرهنگی، فرمالیسم بودن برنامه‌ریزی	(مشبکی، ۱۳۷۹)	
آسیب‌های ناشی از تقدمات و تأخرات غیر منطقی در فرایند تدوین برنامه		محدودیت‌های ساختاری و فرهنگی، فرمالیسم بودن برنامه‌ریزی	(شبکه تحلیلگران تکنولوژی، ۱۳۸۷)	
کاستی‌ها و ناهماهنگی‌های قانونی در خصوص برنامه‌ریزی		محدودیت‌های ساختاری و فرهنگی، فرمالیسم بودن برنامه‌ریزی	(شبکه تحلیلگران تکنولوژی، ۱۳۸۷)	
مشکلات قوانین	مجموعه ناسازگار از قوانین در دوره‌های مختلف تاریخی تصویب و تقویت شده‌اند	مجموعه ناسازگار از قوانین در دوره‌های مختلف تاریخی تصویب و تقویت شده‌اند	(سیف‌الدینی و پناهنده خواه، ۱۳۸۹)	
	عدم اثربخشی قوانین برنامه،	مجموعه ناسازگار از قوانین در دوره‌های مختلف تاریخی تصویب و تقویت شده‌اند	(خاندوزی، ۱۳۸۹)	
مشکلات زیرساختی	عدم وجود اطلاعات و آمارهای جامع، به هنگام و در دسترس، نبود اطلاعات کامل و شفاف از فعالیت‌های اقتصادی	ضعف ساختار اطلاعاتی، نظام آماری و اطلاعاتی نامناسب	(شبکه تحلیلگران تکنولوژی، ۱۳۸۷)	
	وجود تکنولوژی نامناسب	ضعف ساختار اطلاعاتی، نظام آماری و اطلاعاتی نامناسب	(طالب و عنبری، ۱۳۸۹)	
	ضعف سیستم اداری	ضعف سیستم اداری	(مشبکی، ۱۳۷۹)	
			(سیف‌الدینی و پناهنده خواه، ۱۳۸۹)	

۲-۱-۵. سطح دوم: آسیب‌های مربوط به مرحله برنامه‌ریزی (شامل فرایند و محتوا)

آسیب‌های مربوط به سطح را می‌توان به دو زیرسطح آسیب‌های مربوط به فرایند و آسیب‌های مربوط به محتوای برنامه‌ها تقسیم‌بندی کرد. در ادامه به بررسی این آسیب‌ها می‌پردازیم.

۱-۲-۱-۵. آسیب‌های معطوف به فرایند برنامه‌ریزی

هر برنامه‌ای با توجه به نیازها و ذی‌نفعان آن، فرایند خاصی را برای تدوین و تکمیل طی می‌کند. در کشور ما سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه از سوی رهبر معظم انقلاب و با مشورت مجمع تشخیص مصلحت نظام تهیه و به دولت به‌عنوان طراح و مجری برنامه‌های توسعه ابلاغ می‌شود. از سوی دیگر وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های دولتی نیز نیازها، برنامه‌ها و پیشنهادهای خود را برای یک دوره پنج‌ساله تدوین کرده و به‌منظور تلفیق به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (هم‌اکنون معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری این مسئولیت را به‌عهده دارد) ارسال می‌کنند. سازمان مدیریت نیز پس از تلفیق، آن را برای تصویب نهایی در اختیار مجلس شورای اسلامی قرار می‌دهد. البته در مجلس نیز بخش‌های مختلف برنامه ابتدا در کمیسیون‌های تخصصی و سپس در کمیسیون تلفیق مورد بررسی و بازبینی قرار می‌گیرد. این فرایند که به‌طورکلی توسط سازمان بسیار بزرگی، شامل رهبری، مجمع تشخیص مصلحت، دولت و مجلس انجام می‌شود، برای ضروریاتی است که عدم رعایت آنها آسیب‌هایی را در پی خواهد داشت. در ادامه به بررسی این آسیب‌ها پرداخته شده است.

جدول شماره (۱۱). آسیب‌های معطوف به فرایند برنامه‌ریزی

سطح دوم - فرایند برنامه‌ریزی		
مرجع	زیردسته	دسته
(شبکه تحلیلگران تکنولوژی، ۱۳۸۷)	به مشارکت نگرفتن ذینفعان و عدم حصول اجماع و توافق در برنامه‌های توسعه	غیرمشارکتی
(طالب و عنبری، ۱۳۸۹)	غیر مشارکتی	
(خاندوزی، ۱۳۸۹)	برنامه‌ریزی محفلی به جای برنامه‌ریزی مشارکتی و مبتنی بر اجماع، دولتی زدگی در برنامه‌ها	
(سیف‌الدینی و پناهنده خواه، ۱۳۸۹)	عدم توجه به محدودیت‌های واقعی و اجرایی	
(شبکه تحلیلگران تکنولوژی، ۱۳۸۷)	غلبه رویکردهای کمی و تکنیک‌های اقتصادسنجی بر تحلیل سیاستی	شامل تحلیل‌های همه جانبه نمی‌باشد
(دفتر بررسی‌های اقتصادی، ۱۳۸۷)	توجه یک جانبه به تقاضای اقتصاد، عدم توجه به نهادهای نا بازاری، نبود یک وفاق جامع و مانع درباره بسیاری از واقعیت‌های جهانی	



سطح دوم - فرایند برنامه‌ریزی		
مرجع	زیردسته	دسته
(شبکه تحلیلگران تکنولوژی، ۱۳۸۷)	ترکیب نادرست کارشناسی برنامه ریزان	تدوین توسط تیم نامناسب
(دفتر بررسی های اقتصادی، ۱۳۸۷)	عدم آینده‌نگری صحیح	عدم آینده‌نگری صحیح
(شبکه تحلیلگران تکنولوژی، ۱۳۸۷)	تمرکزگرایی در برنامه‌ریزی	متمرکز
(طالب و عنبری، ۱۳۸۹)	متمرکز، متمرکز بر برنامه‌ریزی فیزیکی یا محوریت پروژه‌های عمرانی بزرگ	
(سیف الدینی و پناهنده خواه، ۱۳۸۹)	بخشی نگری	عدم وجود فرایند منطقی در تدوین برنامه
(شبکه تحلیلگران تکنولوژی، ۱۳۸۷)	آسیب‌های ناشی از تقدمات و تأخرات غیر منطقی در فرایند تدوین برنامه، عدول از ایده آل‌ها به علت ملاحظات زمانی	
(سیف‌الدینی و پناهنده خواه، ۱۳۸۹)	انصاف ناپذیری، بی ثباتی	
(طالب و عنبری، ۱۳۸۹)	از بالا به پایین	
(دفتر مطالعات برنامه و بودجه، ۱۳۹۱)	عدم تعریف نقاط بازبینی در برنامه‌ها	

۲-۱-۵. آسیب‌های معطوف به محتوای برنامه

آنچه از دل فرایند برنامه‌ریزی استخراج می‌شود، همان محتوای برنامه است. در این قسمت خود برنامه مورد بررسی و ممیزی قرار گرفته و برنامه‌های تدوین‌شده از حیث محتوا و هم‌خوانی با اولویت‌های کشور، میزان عملیاتی بودن مواردی از این قبیل مورد بررسی قرار می‌گیرند. ایرادهایی که به محتوای برنامه‌های توسعه وارد است را می‌توان در جدول زیر خلاصه کرد:

جدول شماره (۱۲). آسیب‌های معطوف محتوای برنامه‌ریزی

سطح دوم - محتوای برنامه‌ریزی		
مرجع	زیردسته	دسته
(شبکه تحلیلگران تکنولوژی، ۱۳۸۷)	ابهام در نحوه ارتباط اسناد بلند مدت و میان مدت، عدم وجود الگوی روشن و رابطه علی و معلولی صحیح، کلی و تفسیر بردار بودن برخی مواد و تفصیلی بودن افراطی برخی دیگر، عدم توازن بین هزینه و مطلوبیت نیل به هدف، عدم هم‌خوانی با برنامه‌های توسعه قبلی، عدم وجود تعاریف دقیق و مشخص از اصطلاحات برنامه‌ای	نا سازگاری و ناهماهنگی
(دفتر مطالعات برنامه و بودجه، ۱۳۹۱)	عدم ارتباط ساخت یافته بین احکام برنامه و ارقام جداول کمی	
(شبکه تحلیلگران تکنولوژی، ۱۳۸۷)	جامعیت برنامه‌ها و عدم اولویت‌گذاری صحیح در برنامه، بلند پروازانه بودن اهداف برنامه	عدم اولویت‌گذاری صحیح
	فقدان پیوند بین بودجه سالیانه با برنامه‌های مصوب، دولتی زدگی در برنامه، نگاه بودجه‌ای به برنامه در دستگاه‌ها و بخش‌ها	عدم بودجه‌ریزی مناسب
	عدم توجه به آمایش سرزمین	عدم توجه به آمایش سرزمین
	عدم وجود برنامه‌ریزی فضایی و منطقه‌ای	عملیاتی نبودن و نداشتن ضمانت اجرایی
	عدم وجود برنامه‌های اجرایی و عملیاتی	زمان‌بندی نامناسب
	نگاه فصلی و عدم استمرار برنامه‌ریزی	عدم توجه به سناریوهای آینده
	با ثبات در گرفتن شرایط و عدم توجه به سناریوهای احتمالی آینده	آینده

۲-۵. آسیب‌های مربوط به پس از برنامه‌ریزی (اجرا)

در این قسمت به چالش‌ها و آسیب‌هایی که برنامه‌های توسعه در حوزه اجرا به آن گرفتار می‌شوند، اشاره خواهد شد. نکته حائز اهمیت آن است که می‌توان دستگاه‌های اجرایی کشور را در کلیت خود، به‌مثابه یک سازمان اجرایی دید و آن را با رویکردهای ارزیابی و نقد سازمانی مورد بررسی قرار داد.

جدول شماره (۱۳). آسیب‌های معطوف به فرایند برنامه‌ریزی

مرجع	دسته	
(شبکه تحلیلگران تکنولوژی، ۱۳۸۷)	سرعت بالا و گستردگی تحولات سیاسی-اقتصادی در کشور	ف
	وجود برنامه‌های دیگر با اولویت بالاتر	
	مأمین اداری ضعیف دولت جهت اجرای برنامه‌های گسترده	
	ضعف سازوکارهای نظارتی	
	ابهامات در نحوه ارائه گزارش‌ها	
	بی تأثیر بودن گزارش عملکرد بر روندهای اجرایی	
	عدم درک صحیح مجریان از مفاد قانون	
	لگنیزه پایین مجریان برای اجرای قانون	
	تداخل تقویم زمانی برنامه‌ها با تقویم سیاسی کشور	
	عدم توجه به بسترهای اجتماعی لازم برای اجرای قوانین	
	عدم انتخاب صحیح مجری	
	فقدان معیارهای مشخص برای انتخاب موضوعات سیاست‌ها	
فقدان ابزارهای سیاستی متناسب با هدف		
(دفتر مطالعات برنامه و بودجه، ۱۳۸۹)	فقدان شکل‌گیری نهادهای نظارتی عمومی در اغلب کشورها احزاب، مطبوعات و دانشگاه‌ها و نیز انجمن‌های صنفی و حرفه‌ای وظیفه اصلی نظارت عمومی بر سیاست‌های دولت و برنامه‌های توسعه را بر عهده دارند	
(شبکه تحلیلگران تکنولوژی، ۱۳۸۷)	عدم شفافیت و تناقض میان گفتار و رفتار	
	وجود وظایف موازی در وزارتخانه‌ها	
	نزاع‌های سیاسی بی‌حاصل میان گروه‌ها و جناح‌ها	

۶. گام سوم: تحلیل نتایج و ارائه پیشنهادات

همان‌گونه که ملاحظه شد به‌طورکلی در سه مرحله پیش از برنامه‌ریزی، برنامه‌ریزی و پس از برنامه‌ریزی اشکال‌های عمده‌ای به نظام برنامه‌ریزی ما وارد است. در واقع به نظر می‌رسد به‌طورکلی در این مراحل باید موارد زیر مورد توجه قرار گیرد:

- در گام نخست باید به پیش‌نیازها و بسترهای لازم برای اجرای برنامه‌ها توجه شده و واقعیت موجود درباره آنها درک شود تا برنامه در شاکله صحیحی قرار گیرد؛ به‌عنوان مثال تا زمانی که تکلیف ما با مکتب اقتصادی یا پارادایم توسعه‌ای مورد قبول همگان مشخص نباشد، برنامه جهت‌گیری صحیحی نخواهد داشت و برنامه‌هایی متناقض به‌وجود خواهد آمد و یا اگر به پیش‌نیازهای مالی و تکنولوژیک برنامه‌ها توجه نشود، مسلماً برنامه با مشکل روبه‌رو خواهد شد.



• پس از فراهم کردن بستریهای لازم برای تدوین و اجرای برنامه‌ها باید برنامه‌ها با طی کردن فرایندی منطقی تدوین شود؛ به عبارت دیگر فرایند تدوین برنامه باید در دل نظام کلان تدبیر و به صورت هماهنگ و با حضور ذی‌نفعان صورت گیرد. مطلب دیگری که در این مرحله باید به آن توجه کرد، سازگاری و پایداری محتوای برنامه است. به عنوان نمونه بسیار مشاهده می‌شود که ما در طول برنامه‌ریزی‌های توسعه، اهداف بلندپروازانه داشته‌ایم و یا اولویت‌های صحیحی برای پیشرفت در کشور تدوین نشده است. برنامه‌ها در بخش‌های کلان و مناطق ناهماهنگ بوده و سازگاری بین اهداف کیفی و کمی مشاهده نمی‌شده است. بنابراین باید این موارد به خوبی شناسایی و رفع شود.

• در گام بعدی نوبت اجرای برنامه‌ها است. بسیاری معتقدند، این فاز مستقل از برنامه‌ریزی بوده و اصلاً در اختیار برنامه‌ریزان نیست. این تفکر ازجمله مهم‌ترین دلایل شکست برنامه‌ها در هنگام اجرا است. باید در نظر داشت که کار برنامه‌ریزی با تدوین گزارشی شکیلی با عنوان برنامه به پایان نمی‌رسد، زیرا چنین برنامه‌ای مسلماً از انعطاف لازم برخوردار نبوده و در هنگام اجرا به آن توجهی نخواهد شد، بلکه برنامه‌ها باید با پروگرام‌های عملیاتی همراه بوده و سازوکارهای رصد، بازخوردگیری و بازبینی و اصلاح داشته باشند تا بتوانند گام به گام مراحل اجرا پیش رفته و گردآوری اطلاعات تکامل یابد. برنامه‌ها باید سناریوهای مختلف که ممکن است در هنگام اجرا با آن روبه‌رو شویم را از پیش شناسایی کرده و سبدهای برنامه‌های جانبی و پشتیبان را به همراه داشته باشند تا پایداری مدنظر به دست آید. در ادامه به تحلیل آسیب‌های وارد به هرکدام از مراحل عنوان‌شده پرداخته و پیشنهادهایی را برای آنها ارائه می‌دهیم.

۱-۶. سطح نخست: تحلیل و پیشنهادهای فاز پیش از برنامه‌ریزی

متناسب با آسیب‌های شناسایی شده، جدول شماره (۱۴) پیشنهادهایی را در این سطح نشان می‌دهد.

جدول شماره (۱۴). تحلیل و پیشنهادهای متناسب با آسیب‌های شناسایی شده در سطح پیش‌از برنامه‌ریزی

تحلیل و پیشنهاد		آسیب‌شناسایی شده
داشتن الگویی بومی، متناسب با ارزش‌های جامعه، شرایط کشور، آرمان‌ها و اهداف کلان و سازگار با پارادایم توسعه پایدار است.		بنیان‌های فلسفی و پارادایم‌های توسعه
اقتصادی	اقتصادی که محیطی مناسب برای اجرای برنامه‌ها فراهم آورد. اقتصادی پربرونق، باثبات و با میزان تورم پایین، دانش‌بنیان، سبز و غیره.	ساختارهای جامعه
سیاسی	ثبات سیاست داخلی و خارجی، توسعه‌یافتگی سیاسی، دارای آزادی‌های مشروع، احزاب فعال و ارگان‌های نظارتی مستقل، امن برای دگراندیشان، سیاستمداران متعهد به اجرای برنامه‌ها.	
اجتماعی	در یک جامعه پایدار، افراد در شرایطی نیستند که به دلیل سیستم زندگی و اجتماع، توانایی تأمین نیازهایشان را نداشته باشند.	
فرهنگی	منظور فرهنگ پیش‌برنده و هم‌راستا با شرایط توسعه است که همراه با مضامینی مانند قانون‌مداری، تلاش‌گری، صداقت و... است.	
داشتن نظامی برای تدبیر امور است. این نظام باید از اتاق‌های فکر متعدد در داخل و خارج از دولت تشکیل شده و به تصمیم‌سازی صحیح در کشور و پس از آن به تصمیم‌گیری در کشور بیانجامد.		ساختار تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری
وجود قوانینی منسجم، سازگار با برنامه‌های توسعه، هماهنگ و الزام‌آور است که با همکاری نزدیک قانون‌گذار و برنامه‌ریز تدوین می‌شوند.		قوانین رسمی و غیررسمی
پیش از شروع برنامه‌ریزی و اجرا از وضعیت دقیق این پارامترها اطمینان حاصل شود تا این پارامترها مبنای برنامه‌ریزی قرار گیرند و در صورت نقص در هر پارامتری راهکارهای جبران نواقص، اقدامات جانی و پشتیبانی در برنامه دیده شود تا برنامه‌ها قابلیت اجرایی بالاتری بیابند.		زیرساخت‌ها و پارامترهای پیش‌نیاز

۲-۶. سطح دوم: تحلیل و پیشنهاد برای فاز برنامه‌ریزی

سیر تحول نظام برنامه‌ریزی در ایران گویای دلیل بسیاری از مشکلات پیش‌آمده در مسیر اجرای برنامه‌ها است. مرحله نخست برنامه‌ریزی در ایران با تکیه بر انجام چندین پروژه منفک شروع شد، در مرحله دوم برنامه‌ریزی با سرمایه‌گذاری بخش عمومی تلفیق شد. اساس و محور این نوع برنامه‌ریزی همان اجرای پروژه‌ها بود. تا اینکه با توجه به تحولات جهانی، دیدگاه برنامه‌ریزی جامع با الگوبرداری از برنامه‌ریزی متمرکز و الگوی کشور شوروی شکل گرفت و در سال‌های پس از انقلاب نیز به دلیل برداشت‌های گاه نادرست از برنامه‌ریزی و مفهوم توسعه، این دیدگاه تشدید شد؛ درحالی‌که تجربه جهانی نشان‌دهنده شکست برنامه‌های جامع به دلیل ضعف در ساختارهای آماری و اطلاعاتی است (تهرانی، ۱۳۹۳).

حجم وسیع احکام برنامه‌ای در برنامه‌ریزی جامع، علاوه بر گرفتن انرژی از بدنه کارشناسی کشور و بروز مشکلات در فرایند تدوین و تصویب، در عمل خود به مانعی برای توسعه تبدیل می‌شود؛ زیرا در هزارتوی احکام برنامه که اکثراً کلی و تفسیربردار هستند، از یک سو تمرکز نیروهای اجرایی برای حل مشکلات اصلی از بین می‌رود. از سوی دیگر بر بعد نظارت و ارزیابی نیز صدمه‌هایی جدی وارد



می‌شود (تهرانی، ۱۳۹۳). بنابراین نظر به اینکه برنامه‌ریزی جامع به دلیل عدم توانایی در حل تمامی مشکلات در یک بازه زمانی (محمودی و ماجد، ۱۳۹۱: ۵۱) در بسیاری از کشورهای معاصر در حال توسعه، عملاً ناموفق بوده (شبکه تحلیل‌گران تکنولوژی، ۱۳۸۷) و اگرچه به لحاظ تئوریک جذاب و آرمانی است، اما امکان پیاده‌سازی و ارزیابی آن در عمل وجود ندارد.

با توجه به تجربه جهانی، پیشنهاد می‌شود که در سطح عملیاتی به جای برنامه‌ریزی جامع توسعه، برنامه‌ریزی هسته‌ای^۱ یا هسته‌های کلیدی صورت پذیرد. در برنامه‌ریزی هسته‌ای، قلب برنامه‌ریزی متکی به هسته‌های خط‌دهنده و برنامه‌های اجرایی است. این نوع برنامه معتقد به گره‌گشایی در تنگناهای محوری و اصلی است که موجب خواهد شد سایر بخش‌ها و حوزه‌ها نیز به حرکت درآیند (محمودی و ماجد، ۱۳۹۱: ۵۱).

از طرفی تاریخچه برنامه‌ریزی کشور هم گویای تمایل دولت‌ها به اجرای برنامه‌ریزی هسته‌ای است. در طول سالیان گذشته شاهد این مسئله بوده‌ایم که دولت‌ها علاوه بر وجود برنامه‌های جامع توسعه، اقدام به اجرای برنامه‌های مسئله‌محور کرده‌اند. به عنوان نمونه در دوران ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی شاهد اجرای طرح تعدیل ساختاری، در دوران آقای خاتمی شاهد طرح سامان‌دهی اقتصادی و در دوران آقای احمدی‌نژاد شاهد طرح تحول اقتصادی و هدفمندی یارانه‌ها بودیم (شبکه تحلیل‌گران تکنولوژی، ۱۳۸۷) و در دولت آقای روحانی نیز شاهد پیگیری لایحه مقابله با رکود تورمی هستیم.

بنابراین تجربه جهانی و شواهد داخلی نشان می‌دهد مناسب است در کشوری که دارای زیرساخت‌های ضعیف آماری و اطلاعاتی بوده و ماشین اداری دولت ناکارآمد و کند است، به جای برنامه‌ریزی جامع، مشکلات اصلی شناسایی شده و در قالب برنامه‌ریزی هسته‌های کلیدی برای برطرف کردن آنها تلاش شود. البته لازم به ذکر است که برنامه‌ریزی هسته‌های کلیدی منافاتی با جامع‌نگری ندارد و اتفاقاً برای حل مشکلات اساسی باید جامع‌نگر بود و ابعاد مختلف مشکلات اعم از اقتصادی،

اجتماعی و زیست محیطی را بررسی کرد. این مسئله به این معنی است که در یک برنامه پنج ساله نمی توان برای همه مشکلات به صورت جامع برنامه داد و موفق به حل تمام مسائل شد.

مشکل کلان دوم برنامه های کشور، بحث ایستایی و عدم انعطاف پذیری در برنامه ریزی است. در کشوری که دارای بی ثباتی های فراوان بوده و محیطی پویا و گاهی آشوبناک دارد نمی توان با برنامه های پنج ساله ثابت توسعه یافت. در این شرایط بازنگری، چرخش و غلتش و در اختیار داشتن سناریوهای مختلف برای حالت های مختلف ممکن، ضروری است. در این زمینه بسیاری از کارشناسان، برنامه ریزی غلتان^۱ را توصیه می کنند (تهرانی، ۱۳۹۳). البته امروزه ابزارهای جدید آینده نگری از جمله برنامه ریزی بر پایه سناریو نیز در اختیار برنامه ریزان قرار گرفته است که به انعطاف پذیری بیشتر برنامه ها و اتخاذ راهبردهای پابرجا کمک شایانی می کنند (سلیمی، بهرامی و مکنون، ۱۳۹۲).

با توجه به فهرست آسیب های شناسایی شده (جدول های شماره ۱۰ و ۱۱)، مناسب است برنامه ریزی در کشور بیشتر به صورت مشارکتی و غیر متمرکز انجام شود. اولویت گذاری صحیح، سازگاری و هماهنگی میان اهداف، بودجه ریزی مناسب، شفافیت و وجود برنامه های عملیاتی از دیگر مسائلی است که در فرایند و محتوای برنامه ریزی ها باید مورد توجه قرار گیرد.

۳-۶. سطح سوم: تحلیل و پیشنهاد در فاز پس از برنامه ریزی و اجرا

توجه به آسیب های وارد شده در این فاز (جدول شماره ۱۳) بیانگر این موضوع است که برنامه ریزی و اجرا دو مقوله جدا از هم نیستند؛ از سویی محدودیت های اجرا مانند ضعف سیستم اداری کشور در اجرای برنامه های گسترده و یا بوروکراسی دست و پاگیر، اتلاف منابع و عدم تخصیص بهینه منابع و غیره باید به درستی توسط برنامه ریزان درک و در برنامه ریزی مدنظر قرار گیرد همچنین پیش بینی ها و سناریوهای لازم برای اجرای هرچه بهتر پروگرام های اجرایی دیده شوند. از سوی دیگر نگاه بودجه ای مجریان به برنامه ها باید اصلاح و تعامل مناسبی بین برنامه ریزان

و مجریان برقرار شود. سازوکارهای پایش و بازخوردگیری مناسب تهیه و مستندسازی و گزارش دهی به صورت صحیح انجام شود.

نتیجه گیری

این مقاله کوشید به ترسیم شفاف تر، مختصرتر، و قابل فهم تر آسیب های برنامه ریزی توسعه ای در ایران بپردازد. در طول سالیان دراز برنامه ریزی در کشور، ایرانیان به صورت متمادی با مشکل عدم تحقق اهداف برنامه ها دست و پنجه نرم می کردند و همان گونه که مشاهده شد در هر سه سطح از برنامه ریزی توسعه دارای مشکلاتی است که باید برای رفع این مشکلات اقدامات لازم انجام شود. توسعه در ایران پیش از هر چیز نیازمند داشتن الگویی بومی، متناسب با ارزش های جامعه، شرایط کشور، آرمان و اهداف کلان و سازگار با پارادایم توسعه پایدار است. همچنین نیازمند نظام تدبیری در سطح کلان حکمرانی است که به تصمیم سازی و تصمیم گیری صحیح مبادرت ورزد. در مرحله برنامه ریزی، تجربه جهانی نشانگر نیاز به حرکت به سمت برنامه های ارشادی، مشارکتی، مسئله محور ولی جامع نگر، منعطف، آینده نگر و غیره است که روش برنامه ریزی هسته های کلیدی چارچوب مناسبی را برای این کار به وجود می آورد. روش های مختلف آینده پژوهی مانند برنامه ریزی بر پایه سناریو و برنامه ریزی غلتان نیز به بالا بردن انعطاف برنامه ها کمک می کند. نکته دیگر لزوم نگاه فرایندی به برنامه ریزی، اجرا، نظارت و ارزیابی است. این مراحل به صورت به هم پیوسته و مستمر هستند که به صورت بازخوردی به اصلاح یکدیگر منجر می شوند.



منابع

الف - فارسی

- ایزائلو، بلال و مجتبی حبیبی. ۱۳۸۹. «کاربرد فراتحلیل در تحقیقات علوم اجتماعی و رفتاری: مروری بر مزایا، تنگناها و روش‌شناسی»، *تحقیقات علوم رفتاری*، شماره ۱، صص ۷۹-۷۰.
- آزادی احمدآبادی، قاسم. ۱۳۹۲. «رویکرد فراتحلیلی: ظرفیت‌ها و خلأها»، *نشریه علوم اجتماعی*، شماره ۷۱، صص ۸۸-۸۲.
- تشکینی، احمد و افسانه شفیع. ۱۳۸۷. *تجربه برنامه‌ریزی در کشور ایران*، تهران: وزارت بازرگانی، معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی.
- توفیق، فیروز. ۱۳۸۷. *مروری بر تحول برنامه‌ریزی در چند کشور منتخب*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- توفیق، فیروز. ۱۳۸۵. *برنامه‌ریزی در ایران و چشم‌انداز آینده آن*، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- تهرانی، ایمان. ۱۳۹۳. *درباره برنامه ششم توسعه، تأملی بر برنامه‌ریزی*، دفتر مطالعات اقتصادی، گروه برنامه و توسعه، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- خالصی، امیر و علیرضا فرهادی‌کیا. ۱۳۸۸. «ارزیابی برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، *هفته‌نامه خبری-تحلیلی برنامه*، شماره ۳۵۱.
- خاندوزی، سید احسان. ۱۳۸۹. «ارزیابی شیوه برنامه‌نویسی توسعه در ایران»، *فصلنامه برنامه و بودجه*، شماره ۱۱۰، صص ۱۲۹-۹۹.
- خلعتبری، جواد. ۱۳۸۷. *آمار و روش تحقیق*، تهران: نشر پردازش.
- دفتر مطالعات برنامه و بودجه. ۱۳۸۹. *اربابی کلی برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.
- دفتر بررسی‌های اقتصادی. ۱۳۸۷. *مروری بر مبنای حاکم بر برنامه‌ریزی توسعه‌ای*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.
- دفتر مطالعات اقتصادی. ۱۳۸۸. *بررسی تطبیقی نظام برنامه‌ریزی توسعه در ایران و چند کشور منتخب*، تهران: معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی، وزارت بازرگانی.
- دفتر مطالعات برنامه و بودجه. ۱۳۸۹. *سیر تحول برنامه‌ریزی در جهان*، تهران: مرکز

- پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- دفتر مطالعات برنامه و بودجه. ۱۳۹۰. *مجموعه مطالعات تدوین الگوی مطلوب برنامه برای ایران*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- دفتر مطالعات برنامه و بودجه. ۱۳۹۱. *بررسی تطبیقی نظام‌های برنامه‌ریزی طی برنامه‌های قبل و بعد از انقلاب اسلامی*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.
- دلاور، علی. ۱۳۸۴. *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم اجتماعی و علوم انسانی*، تهران: انتشارات رشد.
- رضائیان، محسن. ۱۳۸۴. «واژه‌نامه توصیفی فراتحلیل‌ها»، *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*، سال پنجم، شماره ۲.
- سلیمی، جلیل؛ بهرامی، محسن و رضا مکنون. ۱۳۹۲. «ابزارهای آینده‌پژوهی در اختیار برنامه‌ریزان»، *دومین همایش ملی آینده‌پژوهی*، تهران. قابل دسترسی در: سیف‌الدینی، فرانک و موسی پناهنده‌خواه، موسی. ۱۳۸۹. «چالش‌ها و موانع برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای در ایران»، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، جلد ۷۳، صص ۸۳-۹۸.
- شبکه تحلیل‌گران تکنولوژی. ۱۳۸۷. *آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.
- شیخی، غفور. ۱۳۹۰. *روش تحقیق: فراتحلیل*، قابل دسترسی در: <http://searches.blogfa.com/post-22.aspx>
- طالب، مهدی و موسی عنبری. ۱۳۸۵. «دلایل ناکامی نظام برنامه‌ریزی توسعه در ایران عصر پهلوی دوم»، *نشریه علوم اجتماعی*، جلد شماره ۲۷.
- عظیمی، حسین. ۱۳۸۲. *برنامه‌ریزی توسعه*، تهران: وزارت بازرگانی، معاونت برنامه‌ریزی و بررسی‌های اقتصادی.
- فقیه نصر، مرجان و همکاران. ۱۳۸۸. *مبانی و مفاهیم برنامه‌ریزی توسعه؛ مطالعه تطبیقی تجربه کشورهای منتخب و ایران*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش راهبردی.
- فقیه نصر، مرجان و همکاران. ۱۳۸۸. *برنامه‌ریزی توسعه؛ مبانی و مفاهیم، مطالعه تطبیقی تجربه کشورهای منتخب و ایران*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش راهبردی.
- محمودی، وحید و وحید ماجد. ۱۳۹۱. «برنامه‌ریزی توسعه پایدار شهری با رویکرد برنامه‌ریزی هسته‌ای (پیشنهادی برای توسعه پایدار شهری تهران)»، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۶۷، ص ۵۱.
- مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی. ۱۳۸۵. «چالش‌های ساختاری نظام برنامه‌ریزی ایران»، *پژوهش‌نامه اقتصاد*، صص ۴۱-۵۸ و ۱۱۵.
- مشبکی، اصغر. ۱۳۷۶. «بررسی موانع مدیریت استراتژیک در جمهوری اسلامی ایران»، *مدیریت دولتی*، صص ۲۱-۳۶.
- میرزایی، حجت‌الله. ۱۳۸۵. «موانع ارزیابی عملکرد برنامه‌های توسعه در ایران»، در: *اولین کنفرانس ملی مدیریت عملکرد*، تهران.
- نویخت، محمدباقر و سعید غلامی نتاج. زمستان ۱۳۹۰. «کارکردهای الگوی توسعه»، *فصلنامه راهبرد*، صص ۲۱۳-۲۳۱.

هادی ونوز، بهروز. ۱۳۸۹. *بررسی نظام برنامه‌ریزی اقتصادی در ایران (دوره قبل از انقلاب اسلامی)*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
هادی ونوز، بهروز. ۱۳۸۹. *بررسی نظام برنامه‌ریزی اقتصادی در ایران*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

http://www.civilica.com/Paper-FUTURESSTUDIES02-FUTURESSTUDIES02_059.html.